

پیرونده اخاذی با هویت جعلی به دادگاه رسید



علی بابا زادهٔ مرد جوانی که با لباس پلیس وارد واحدهای صنفی منطقه طلاب می‌شد و از واحدهای تجاری اخذ می‌کرد، دستگیر شد. این جوان با ورود به مغازه‌های مختلف خوش را فیس پلیس معرفی می‌کرد. مأموری که تا می‌توانست به‌کسبه تهمت می‌زد و آن‌ها را به پنهان‌ه‌ها می‌مخلف می‌ترساند. در ادامه او برای چشم‌پوشی از تخلفات کسبه یک رهکار ارائه می‌کرد و در قبال دریافت پول یکالای از گزارش تخلف چشم‌پوشی می‌کرد؛ اقداماتی که خبرش بین کسبه منطقه طلاب پیچید و آن‌ها به پلیس رادر جریان گذاشتند. خلیف زود در بررسی‌ها علی پلیس مشخص شد چنین نیرویی در پلیس وجود ندارد. وظیفه شناسایی و دستگیری این منتهم به‌کوهی از مأموران دایره تجسس کلانتری میرزا کوچک خان سپرده شد. تلاش پلیس برای دستگیری این منتهم در حالی ادامه داشت که یکی از واحدهای گشت منتهم به مأموران می‌را با لباس پلیس در منطقه مجلسی شناسایی و در عملیاتی ضربتی، دستگیر کرد. پس از انتقال منتهم به مقر انتظامی و انجام بازجویی‌های فنی، او در بازجویی‌ها به شش فقره اخذ از کسبه اعتراف کرد. با وجود اعترافات منتهم، تحقیقات پلیس برای کشف جرائم احتمالی دیگر منتهم ادامه دارد.

لودادن دوست صمیمی به عنوان متهم اصلی

جلایان انگار تفاوتی نداشت و سایل چقدر ارزش مادی داشته، مالکان باغ و میوه‌ها هر چیزی که می‌بردند، داشتند از باغ‌شان غیب می‌شد. از ادوات کشاورزی و باغداری تا وسایل خانگی و برقی، حتی در برخی موارد سارقان با جاد کردن و سرقت درهای آهنین، اقدام به سرقت ماشین لباس شویی، اجاق گاز، پمپ آب و فرش و... کرده بودند. تداوم سرقت سرپایی از باغ و میوه منطقه روستای دوندخ در دستور کار مأموران پاسگاه شد و کاره‌زار گرفت. مأموران پاسگاه سدکاره با استفاده از اشراف اطلاعاتی خود نسبت به ساکنان روستاهای منطقه و بررسی سرخ‌های موجود موفق به شناسایی یکی از متهمان شدند. متهم پس از هفت ماه به مقام قضایی در عملیاتی ویژه دستگیر و به پاسگاه سدکاره منتقل شد. متهم پس از انتقال به بالاترین نه‌تنه به جرمش اعتراف کرد، بلکه یکی از دوستان صمیمی خودش را نیز به عنوان همدست و متهم اصلی به پلیس معرفی کرد. به دنبال این اعتراف، متهم دوم هم در عملیاتی ضربتی دستگیر شد.

سقوط مرگ بار کارگر ساختمانی حین کار

بازارده! روز گذشته، یک کارگر ساختمانی دیگر، حین کار حاش را از دست داد. روز گذشته یک کارگر چهل و پنج ساله، حین جوش کاری در یک کارگاه ساختمانی به دلایلی نامشخص از ارتفاع سقوط کرد. کارگری که در این ساختمان مشغول به کار بودند، با اعلام حادثه به اورژانس و پلیس به کمک کار حادثه رفته و رفتند. کارگران هر چند نتوانستند کاری برای نجات جان کارگر حادثه دیده انجام دهند، اما با حضور امدادگران و دیدن تلاش آن ها به بازگشت زندگی همکارشان امیدوار شدند؛ امیدی که خیلی زود از بین رفت. با اعلام مرگ مشکوک یک کارگر جوان، پیکر او به پشه‌خوار منتقل شد و پلیس، تحقیقاتش را درباره آن کار حادثه آغاز کرد.

دستگیری سوداگر مرگ با ۵۰۰ گرم مواد افیونی

جلاچیان: ما مأموران کلانتری مراجع یک خرده فروش مواد مخدر را که به تازگی از زندان آزاد شده بود، بار دیگر دستگیر کردند. این گزارش آغاز به کار یک سو دواگر کرد که در منطقه توس فروش مواد مخدر با این یک خریدور، مأموران کلانتری مراجع به انجام تحقیقات میدانی به فردی سابقه دار مظنون شدند که به تازگی از زندان آزاد شده بود. تحقیقات پلیس که همراه با تعقیب نامحسوس نامش هم بود، در حالی به نتیجه رسید که متهم به ماخود بود، یکی از خیابان های منطقه توس اقدام به توزیع مواد مخدر بین جوانان کرد. مأموران با مشاهده فروش مواد مخدر توسط متهم، بلافاصله با هماهنگی مقام قضایی در یک عملیات ضربتی متهم را دستگیر کردند. مأموران در بازسازی از خود رو به تنخواه متهم، یک کیلو ۵۰۰ گرم مواد مخدر از نوع تریاک کشف کردند.

دستگیری ۲ جوان پس از موبایل قاپی

بابازاده دختر جوان، در پیاده رو با نامزدش تلفنی صحبت می کرد که ناگهان صدای روزه موتور و جیغ دختر جوان درگوشی پیچید. پیش از آنکه دختر فرصتی برای واکنش داشته باشد، ترک نشین یک دستگاه موتورسیکلت مشکی، به دختر جوان، رازدستش قاپید و ناپدید شد. دختر جوان که به شدت ترسیده بود، موضوع را به اطلاع پلیس رساند. با شکایت دختر جوان، مأموران کلانتری نجفی که پیش از این تحقیقات گسترده ای را برای شناسایی و دستگیری گویش قاپان سراسفران شروع کرده بودند، با بررسی دقیق اظهارات ماف با هتخان و ازبینی تصاویر دوربین های مدار بسته، موفق به شناسایی یکی از متهمین شدند. تیم تحقیق با انجام اقدامات فنی توانست محل اختفای متهم را که یک جوان بیست و چهار ساله بود، در حاشیه شهر درنی کند. با دست آمدن محل اختفای متهم، مأموران با هماهنگی مقام قضایی این جوان را دستگیر و به کلانتری منتقل کردند. مرد جوان در بازجویی فنی پلیس، خودش را راکب موتورسیکلت معرفی کرد و با معرفی هم دست نوزده ساله اش، او را به عنوان فردی که شانزده تلفن همراه را از مال باخته قاپاییده بود، معرفی کرد. به دنبال اعتراف این جوان، مأموران در عملیاتی جداگانه، متهم دوم را دستگیر و موتورسیکلت راکه در سرقت با استفاده می شد، ضبط کردند. دو همتهم پس از انتقال به دادسرا روانه زندان شدند.

بازسازی

بازسازی

این پرونده از آن دست پرونده‌هایی است که آسیب‌های اجتماعی و تمام‌وکمال در آن دیده می‌شود؛ پرونده‌ای که ریشه در دوران تربیت قاتل و احتمالاً مقسول داشته باشد. شاید این متهم به قتل سی‌و نه ساله، بهترین گزینه باشد که نشان دهد کوچک‌ترین رفتار اشتباه والدین ممکن است آینده‌ای سیاه و تاریک پیش‌روی فرزندان باز کند. در این جنایت باز گریز روبرو می‌شود که ناخواسته یک گرداب گزافی رها شده و تنها با کشتن پیرمرد هفتاد و دو ساله غریبه که عامل سقوط او به این گرداب بوده، تلاش کرده است تا خودش را از آن بیرون بکشد؛ هر چند که نقشه‌اش ناکام می‌ماند و در سال ۱۴۰۳ پس از چند ماه فرار، دستگیر و انکارهای سریالی او باعث می‌شود تا رسیدگی به این پرونده دو سال زمان ببرد. این زن با دستور قاضی وحید خاکشور، بازپرس جنایی، برای بازسازی صحنه جرم به محل جنایت منتقل شد و اعتراف کرد که اولین گام اشتباه در زندگی‌اش را پدرش برداشته و باعث‌دار کردنش، او یک قاتل ساخته است.

با انتقال متهم از سوی سرهنگ محمد مرادی، افسر پلیس آگاهی، به محل جرم در بولوار چمن مشهد، با دستور مقام قضایی، بازسازی این جنایت که در تاریخ ۲۱ شهریور ۱۴۰۲ با خواندن شربت متادون به پیرمرد رخ داده و جسد او دو روز بعد کشف شده بود، آغاز شد.

● بعد از فوت پدرم، مشکلات شروع شد

متمهم با بیان اینکه سه فرزند دارد، ریشه‌های این جنایت را در کودکی خود جست و جو کرد و مدعی شد: من در خانواده‌ای بزرگ شدم که پدرم اجازه نمی‌داد پسرعمو، پسرخاله و پسرعمه‌های ما با هم یک سفره بنشینند، همیشه جای ما را اتاق دیگری بود؛ حتی با دایی و عمو هم اجازه نداشتیم به‌جز یک سلام و علیک ساده، ارتباط دیگری همچون دست دادن یا روبوسی داشته باشیم. من بزرگ شدم و دانشکاه رفتم و پدری که سه ساله بودم که ازدواج کرد، سال ۱۳۸۹ در بابت اولمه به دلایل پزشکی مجبورم دو روز بعد از زایمان فوت کرد. بعد از آن دچار افسردگی شده بودم و وضع جسمانی هم داشتم. پدرم خودش نیز یک مصرف می‌کرد و از سر جلسه گفت: «بیا به تو بدهم تا حالت خود شود»... آنسوا اولین بار بود که استفاده کردم. تا سال ۱۳۹۲ ادامه داشت تا اینکه پدرم فوت کرد و دیگر نبود تا مواد را تأمین کند و من حتی بجای مصرف داشتم. چهار یا پنج سال از فوت پدرم گذشته بود. روزی در ایستگاه اتوبوس ایستادم و دیدم یک پسر (مقتول) از جلی می‌رود و توی ایستگاه بزرگ می‌نمست. دست گذاشت روی قلیش و آفتاب به قلبم درد می‌کند، دخترم می‌توانی یک لیوان آب به

● من را تهدید کرد

متهم به قتل درباره اینکه چه زمانی پیرمرد

زنی جوان که متهم به قتل پیرمردی ۷۲ ساله است، در بازسازی صحنه جرم:

پدرم من را معتاد کرد



عبد الرحمن بن محمد بن عبد الله

خواسته‌های دیگری را مطرح کرد و توجه کردی:
 «تعارف کردی دو ماه بعد از اینکه آمدورفت‌م شروع شده بود، پیشنهاد ازدواج داد که من قبول کردم و شوهر و بچه دارم. بعد پیشنهادهای دیگری داد و خواسته به او کمک کنم تا لانه فسادش را اداره کند، ولی قبول نکردم و مدتی به تلفن‌هایش پاسخ ندماد. من می‌فکرتم باید پیام بدهد، فقط مایوس می‌گرفت. یک شب خیلی تماس گرفت و گوشی دست پسرمد بود و بازی می‌کرد. او خیلی زنگ زد و من نمی‌توانستم جواب دهم. گوشی شوهرم شارژش تمام شده بود، خط به خط با گوشی من تماس می‌گرفت. خودم به نام همسرمد بود و نمی‌توانستم تصمیم‌کارت را بشکنم و دور بیندازم؛ چون شوهرم دوباره خطر تهیه می‌کرد. شدم تلفن پسرمد را جواب می‌دادم، گفت: «چرا جواب تلفن را نمی‌دهی؟»، «نعم: من دیگر نمی‌خواهم پیام جانی دشمن»، گفت: «نعم»

من بدهی؟» من یک شیشه آب معدنی درون کیفم داشتم که همان را به او دادم و خورد و تشکر کرد. بعد ششماره را را روی یک کاغذ نوشت و گفت: «این شماره من است، من تنها زندگی نمی‌کنم. دوست داشتی و خواستی درد دل بپزانی که من زنگ بزنم.» این زن جوان با اشاره به اینکه حدود سال ۱۳۹۶ بود که برای اولین بار خودش به پیرمرد زنگ می‌زند. «نامم داده و زنگ زدم و حالش را پرسیدم که گفت: «اینم خواهی بود! این خانم من بابیبنی؟» من قبول نکردم و آمدم همین جا. دیدم تنهاست. اینجا فقط برای احوال مشکلی نبود و آدم خوبی بود. کم‌کم شروع به درخواست‌های دیگرش کرد. من با تهیه آب معدنی و روز در میان یک روز در میان به این خانم می‌آمدم.

روشدن دست یک شرکت هرمی

باشکایت پدر و پسر

پولش را کرد. مدیران شرکت به این مرد و پرسرش گفتند برای پولشان مطمئن شده بود. نه تنها پولی به آن‌ها نداد بلکه تقاضای اسپرداد. پس بستند اما در میان سال به بهای غیرقانونی بودن فعالیت شرکتشان دست زدند. آن‌ها تمام توان خود را برای فریب پدر به کار بردند. مدیران شرکت به امید دریافت پول، جلسه‌ای با حضور پدر برگزار کردند. آن‌ها تمام توان خود را برای فریب پدر به کار بردند. مدیران شرکت به امید دریافت پول، جلسه‌ای با حضور پدر برگزار کردند. آن‌ها تمام توان خود را برای فریب پدر به کار بردند.

سعید جلالیان، مرد جوان مدت‌ها به دنبال کار می‌گشت و اعضای یک شرکت هرمی با اطلاع از این موضوع توانستند او را قاپود دهند. مرد جوان با شرکت در چند جلسه این شرکت با رؤیای کسب ثروت، مشتاق سرمایه‌گذاری در آن شد. او با راهنمایی اعضای این شرکت، به سراغ پدرش رفت و از او یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون ریال پول گرفت. مدیران شرکت که طمع‌ه‌ را در دام می‌دیدند، دوبار دیگر مرد جوان را تحریک کردند تا از پدرش درخواست پول کند. شرکتی که سه بار نتیجه داد و آن‌ها در مجموع ۶ میلیارد ۶۰۰ میلیون ریال از این پدر و پسر پول دریافت کردند.

داغ

پدر این مرد جوان وقتی دید پسرش هیچ کاری نیست و هیچ درآمدی ندارد، تازه به کار پسرش مفتون شد. هم زمان باطل پدری به کار پسر، اعضای شرکت که دست بردار مرد جوان نبودند او را برای چهارمین بار به واریز پول تشویق کردند. مرد جوان در حالی

فاجعه باران‌های موسمی در هند

بارش‌های شدید موسمی در شمال هند جان‌آفرین راکفته است. باران‌های موسمی و حوادث مرتبط آن در ایالت هیمال پرادش همچنین ۸۱ مسموم و برای اطلاع از سرنوشت و هنوز از سرنوشت ۳۶ نفر از مفقودان اطلاع در دست نیست. بنا به اعلام مقامات رسمی ۹۵ نفر قربانیان بی‌ارزش زندگی و غرق شدگی در سیلاب و ۷۸ تن دیگر در تصادفات جاده‌ای ناشی از شرایط نامساعد جوی جان خود را از دست دادند.

کارخانه تولید ترقه منفجر شد

را انفجار مرگ بار در یک کارخانه تولید مواد محترقه مرکز تایلند جان فکارگر این واحد صنعتی را گرفت. روز شنبه در حالی که کارگران این کارخانه در استان سوپان یی تایلند مشغول تولید وسایل آتش بازی بودند به دلایل نیروهای خط تولید مواد محترقه منجر شد. نیروهای ایمنی در محل این کارخانه تائسند دو کارگر سوم را در حالی نجات دهند که این کارخانه در آتش سوخت و انفجارهای بیپایه در آن رخ می‌داد.

وحشت ۳۶۰ در شهر بازی عربستان

ایستاد سقوط یکی از دستگاه‌های شهر بازی شهر طائف عربستان ۲۳ زخمی برجای گذاشت. فیلم‌های منتشر شده از این اتفاق نشان می‌دهد که تیرک مرکزی وسیله‌ای به نام «۳۶۰ درجه» درحالی شکست خورده هانفر روی صندلی‌های آن نشسته بودند. خوشبختانه سقوط دستگاه در زمانی رخ داد که سرعت و ارتفاع آن کاهش یافته بود، اما با این حال، وضعیت برخی مصدومان وخیم گزارش شده است. مقامات در حال بررسی علت این نقص می‌باشند.

[illegible]